

درباره خانواده و خطرهایی که آن را تهدید می‌کند

# خونه، اون خونه قریمی نیست

خانواده از آن دست مسائلی است که تا دلتان بخواهد، حرف و بحث درباره‌اش بسیار است. از نوع تعریف این کلمه گرفته تا چگونگی شکل‌گیری‌اش در قرون گذشته و دنیای مدرن کنونی. از آن دست مفاهیم که در دل هر فرهنگی به طور ویژه‌ای تعریف می‌شود و همواره خطرهایی آن را تهدید می‌کند یا عواملی

مریم شاه‌پسندی

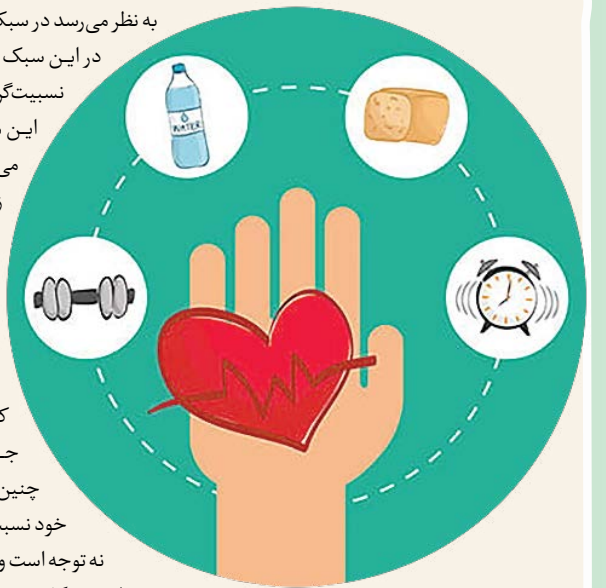


دبیر  
تحریریه

هست که به دوام آن استحکام می‌بخشد. بعضی خانواده را پیوند خونی می‌دانند و بعضی، زندگی کردن زیر یک سقف را خانواده معنا می‌کنند. اما آن چیزی که به زعم من در همه این‌ها و اگرها ثابت است، مهم و اثرگذار بودن خانواده در زندگی فرد است و کسی نیست که این مهم را نادیده بگیرد. به قولی «خانواده چیز مهمی نیست، چیز است.» در این دو صفحه از نوجوانه می‌خواهیم از خانواده بگوئیم و بخشی از آنچه که ممکن است به این مهم، ضربه بزند.

## سبک زندگی مدرن

به نظر می‌رسد در سبک زندگی مدرن خانواده جایی ندارد. در این سبک زندگی، فردگرایی، مصرف‌گرایی و نسبیت‌گرایی دائماً تقویت می‌شود. اما در این موضوع خاص، یعنی خانواده من می‌خواهم درباره فردگرایی این سبک در زندگی صحبت کنم، همین که انسان خودش را در اولویت قرار می‌دهد و هر آنچه غیر خودش را در مرتبه‌های دوم. حال شاید پرسید که این فردگرایی چه ارتباطی با خانواده دارد؟ نمی‌شود که هم به خود توجه کرد و هم به خانواده؟



جواب اما این است که فردگرایی در چنین موضوعی، یعنی اولویت قرار دادن خود نسبت به هر چیز و هر کس دیگری. بحث نه توجه است و نه بی‌توجهی. از بحث تأثیر فردگرایی در جامعه می‌گذرم و به خانواده می‌پردازم. مثلاً شما فکر کنید که فرزندی خودش را از والدینش مهم‌تر و واجب‌تر بداند. آن وقت چه می‌شود؟ این‌طور می‌شود که فرزند بسیاری از فعالیت‌ها و دلسوزی‌هایی که لازمه دوام ارتباط آن خانواده است را در حق پدر و مادر به جانمی‌آورد و صرفاً خواسته‌های خودش است که اهمیت دارد و لا غیر. از طرفی، همان فرد در سنین جوانی به سمت فرزندآوری به ویژه در تعداد بالا، نمی‌رود زیرا لازمه پدر و مادر شدن نوعی از خودگذشتگی است که نگاه فردگرا آن را نمی‌پذیرد. نگاه فردگرا نمی‌پذیرد که مادری از خواب و خوراک خود بزند و به اصطلاح ریتم طبیعی زندگی و جسمانی خودش را به هم بزند برای این‌که

فرزندی پا در این دنیا بگذارد یا پدری، بیشتر از قبل برای پول در آوردن و کار کردن وقت بگذارد و از تفریحش بزند برای این‌که فرزندش بهتر زندگی کند. فردگرایی سبک زندگی مدرن، این فرآیند را سخت‌تر می‌کند و احتمالاً بارها شنیده‌اید که کسانی از فرزندآوری سرباز می‌زنند صرفاً به همان دلایلی که قبل‌تر عرض کردم.

در ثانی، نه فقط در بحث فرزندآوری، بلکه در امر مهم و پیچیده‌ای مثل ازدواج هم فردگرایی چندان راهگشا نیست. ازدواج که لازمه‌اش صبر و تحمل و به قول قدیمی‌ترها «مدارا» کردن است، با این مسأله جور در نمی‌آید. شما نمی‌توانید هم خودتان را در اولویت قرار بدهید و هم در عین حال، از خودتان برای پایداری یک رابطه بگذرید. این سبک زندگی تمرکز چندان روی خانواده ندارد و آنچه در رسانه‌ها مدام دیده می‌شود، مجموعه‌ای از موفقیت‌های فردی، چالش‌های فردی و تنهایی است. فرد خودش به موفقیت می‌رسد و نهایتاً با چند دوست نزدیک آن را جشن می‌گیرد، به چالش‌هایی می‌خورد که خودش باید آنها را حل کند. ابزار آلات دنیای مدرن او را به سمت دوستی‌های مجازی و غیرحقیقی می‌برد و به ظاهر دایره ارتباطی او را گسترده می‌کند، ولی در باطن، تنهایی و دوری از خانواده را برایش رقم می‌زند و احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور، گسترده شدن دنیای متاورس با تمام فوایدش، این وضعیت را بغرنج‌تر کند. لازم است بگوئیم در سبک زندگی مدرن که هر روزه بیشتر و بیشتر با آن مواجه می‌شویم، لذت جویی هم مورد توجه است. یعنی فرد درصدد اقداماتی باشد که صرفاً به او لذت ببخشد و نیازهایش را بر طرف بکند، پس همین نگاه

در زندگی مدرن می‌تواند جلوی بسیاری از مسئولیت‌پذیری‌ها تعهد را ایجاد کند. همان‌طوری که طی این سال‌ها شاهد انواع روابط دوستانه، جنسی و اجتماعی بوده‌ایم که با عناوین روشنفکرانه و مدرن، از هرگونه تعهد، وفاداری و فداکاری دوری می‌کنند. همچنین در سال‌های اخیر، وزارتخانه تنهایی در انگلیس تأسیس شده است و همین خبر، تمام آنچه درباره سبک زندگی مدرن گفته‌ام و خواهم گفت را در خود جای داده است.

## چه چیزی ارزشمند است؟

بحث تفاوت میان سلبریتی‌های ایرانی و خارجی انتها ندارد. از هزار و یک وجه می‌شود نگاهش کرد و مهم است که قصدت تخریب باشد یا تشویق. من اما قصدم هیچ‌کدام نیست. نه آن قدر دلم برای سلبریتی‌های غربی می‌تپد که چشم‌روی بسیاری از چیزها ببندم و نه عاشق سینه‌چاک سلبریتی‌های ایرانی هستم که انگشت انتقاد را به سمت‌شان نگیرم.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، افراد مشهور روی جوان و نوجوان تأثیر دارند و هر تأثیری، یک مسئولیتی ایجاد می‌کند. البته که باید به نوجوان و جوان درباره چگونگی الگوپذیری و تقلید نکردن صرف، آموزش داد و در تربیت آنها این مهم را به‌کار برد اما به هر حال، این مسأله وجود دارد.

این‌طور که در میان بعضی از سلبریتی‌های خارجی دیده می‌شود، فرزندآوری پدیده مهم و دلچسبی برای آنهاست. تعداد بالای فرزندان و فعالیت اجتماعی زنان مشهور در عین بارداری از جمله مواردی است که در سلبریتی‌های پرتعداد غربی دیده‌ایم؛ هرچند که تفاوت عرف ما با آنها بسیار است و مفهوم «خانواده» در اینجا و آنجا متفاوت است اما این مهم



در مقایسه با سلبریتی‌های ایرانی بیشتر به چشم می‌خورد. البته از حق نگذریم آنچه در سلبریتی‌های ایرانی بسیار دیده می‌شود و قابل تحسین است، احترام به پدر و مادر و توجه به والدین است و از جمله معیارهایی است که روی محبوبیت یک سلبریتی در جامعه ایرانی تأثیر مستقیم دارد.

هرچند که آمار ازدواج پایین و فرزندآوری نزولی در ایران، ارتباط مستقیم با وضعیت اقتصادی این سال‌های کشورمان دارد اما مطمئناً این تنها دلیل نیست. عوامل فرهنگی هم در این آمارها سهمیم است. به نظر می‌آید در یکی دو دهه گذشته و برای نسل جدید، دیگر تعداد بالای فرزند پسندیده نیست. حتی کسانی که وضعیت مالی خوبی دارند، مثل بعضی از سلبریتی‌های ایرانی، از این مسأله سر باز می‌زنند.

دیدن سلبریتی ایرانی با سه فرزند و بیشتر، تعجب‌برانگیز است و از طرفی، روی آوردن قشری از مردم به پرورش حیوانات به جای انسان در این مهم بی‌اثر نبوده است. به زعم بنده آنچه در نسل جدید نسبت به قبل متفاوت است، میزان ارزشمندی فرزندآوری و مسئولیت مقدس مادر و پدری است. به نظر می‌آید نسل‌های قبل، مادر و پدر شدن را بسیار باارزش و مهم می‌دانستند و آن را دستاوردی بزرگ می‌دیدند درحالی‌که امروزه دستاورد در چیزهای دیگری معنا می‌شود.

